

تقدیم به خانم پروانه اسکندری برای مهرشان به ایران،

برای دغدغه ای که در سکوت نیز شنیده می‌شود،
و برای ایمانی که هنوز به فردای این سرزمین دارند.

پیمان ابراهیم؛ صلحی نا تمام در سایه ایران و فلسطین

گاهی تاریخ با صدای بلند فریاد نمی‌زند؛ بلکه آرام و بی صدا مسیر خود را عوض می‌کند. پیمان ابراهیم یکی از همان لحظه‌ها بود.

توافقی که نه فقط چند امضا بر روی چند برگ کاغذ، بلکه اعلام تولدِ نظمِ جدید در خاورمیانه بود؛ نظمی که در آن بخشی از جهان عرب تصمیم گرفت اصل قدیمی «اول فلسطین، بعد رابطه با اسرائیل» را کنار بگذارد و مسیر دیگری را انتخاب کند. اما این پیمان دقیقاً برای چه به وجود آمد؟ اگر بخواهیم با نگاه تحلیلی و مبتنی بر راستی‌آزمایی به موضوع نگاه کنیم، مهم‌ترین اهداف آن را می‌توان چنین خلاصه کرد:

۱- عادی‌سازی روابط سیاسی میان اسرائیل و برخی کشورهای عربی

۲- ایجاد شبکه ای گسترده از همکاری‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری

۳- توسعه همکاری‌های علمی، فناوریانه و اطلاعاتی

۴- افزایش هماهنگی‌های امنیتی در منطقه

۵- ایجاد موازنه در برابر نفوذ منطقه ای جمهوری اسلامی ایران

۶- شکل دهی به نظم جدیدی در خاورمیانه با مشارکت اسرائیل و دولت‌های عربی

در پس این توافق، تنها مسئله روابط دیپلماتیک قرار نداشت. هدف، ایجاد شبکه‌ای از همکاری‌های اقتصادی، فناوریانه، اطلاعاتی و امنیتی بود که بتواند موازنه جدیدی در منطقه ایجاد کند. در این میان، نقش جرد کوشنر (Jared Kushner)، مشاور ارشد و داماد دونالد ترامپ (Donald Trump)، در طراحی و پیشبرد این پروژه بسیار قابل توجه بود.

در میان این اهداف، مسئله ایران جایگاه ویژه‌ای دارد. واقعیت این است که اسرائیل و برخی دولت‌های عربی طی سال‌های گذشته، نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی، برنامه موشکی و حضور نیروهای همسو با ایران در منطقه را یکی از مهم‌ترین چالش‌های امنیتی خود تلقی کرده‌اند. از این منظر، پیمان ابراهیم بدون تردید ابزاری برای محدود سازی و مهار قدرت منطقه ای ایران نیز بوده است.

اما شاید بزرگ ترین اشتباه راهبردی منطقه دقیقاً از همین نقطه آغاز شود. زیرا ایران فقط یک حکومت نیست.

ایران یک تمدن چند هزار ساله، یکی از کهن ترین دولت های جهان، بزرگ ترین کشور خاورمیانه از نظر ظرفیت های انسانی، یکی از مهم ترین دارندگان منابع انرژی و یکی از حساس ترین گره های ژئوپولیتیکی جهان است. کشوری با بیش از نود میلیون جمعیت، منابع عظیم نفت و گاز، موقعیت استراتژیک میان آسیای مرکزی، قفقاز، خلیج فارس و اقیانوس هند و تاریخی کهن تر از بسیاری از دولت های امروزی منطقه.

به همین دلیل، نگاه به ایران صرفاً از دریچه تهدید، می تواند خطایی راهبردی باشد. ایران با ثبات، توسعه یافته و دارای روابط متوازن با همسایگان، می تواند برای کل منطقه یک فرصت تاریخی باشد؛ بازاری عظیم، شریک اقتصادی مهم، مسیر ترانزیتی بی بدیل و پلی میان شرق و غرب.

به بیان دیگر، ایران می تواند برای منطقه «برکت» باشد، نه «زحمت». همان گونه که کشورهای عربی نیز می توانند برای ایران فرصت باشند، نه تهدید. اما در کنار همه این تحولات، یک واقعیت همچنان پا برجاست: مسئله فلسطین.

پیمان ابراهیم توانست روابط میان برخی دولت های عربی و اسرائیل را تغییر دهد، اما نتوانست قدیمی ترین زخم خاورمیانه را درمان کند. تا زمانی که مسئله فلسطین به شکلی عادلانه، پایدار و قابل قبول برای طرفین حل نشود، منطقه همچنان آستان بحران خواهد بود.

تجربه دهه های گذشته نشان داده است که نمی توان این مسئله را نادیده گرفت و انتظار داشت ثباتی پایدار شکل بگیرد. هر بار که امید به حل آن کمرنگ شده، موج جدیدی از خشونت، افراطگرایی و بی ثباتی سر برآورده است. از این رو، شاید مهم ترین پرسش امروز این نباشد که چه کسی برنده و چه کسی بازنده پیمان ابراهیم است.

پرسش اصلی این است که آیا خاورمیانه می تواند از منطق دشمنی دائمی عبور کند یا نه؟ آیا کشورهای عربی، ایران و اسرائیل می توانند روزی به این درک برسند که امنیت هیچ کدام از مسیر ناامن کردن دیگری به دست نمی آید؟ تاریخ اروپا پس از قرن ها جنگ این درس را آموخت.

خاورمیانه نیز دیر یا زود ناچار به آموختن همین درس خواهد بود. و شاید در نهایت، تنها راه واقعی توسعه، رفاه و ثبات در منطقه نه در ائتلاف های موقت و نه در موازنه های نظامی، بلکه در شکل گیری صلحی پایدار میان ایران، کشورهای عربی و اسرائیل نهفته باشد. زیرا خاورمیانه بیش از هر چیز به صلح نیاز دارد.

صلحی که در آن فلسطینیان احساس بی عدالتی نکنند، اسرائیلی ها احساس ناامنی نکنند، کشورهای عربی از ثبات برخوردار باشند و ایران نیز بتواند جایگاه طبیعی خود را به عنوان یک قدرت بزرگ منطقه ای باز یابد.

در غیر این صورت، پیمان ها تغییر خواهند کرد، دولت ها خواهند آمد و رفت، اما بحران همچنان در زیر پوست این منطقه زنده خواهد ماند. تاریخ بار دیگر ثابت خواهد کرد که هیچ ملتی از راه تضعیف همسایه خود به امنیت پایدار نرسیده است.

مهدی روسفید- مالاگا

07.06.2026